



صهیب بن سنان

صهیب بن سنان در اصل اهل **عراق** و از ساکنان کنار **نجد** نزدیک **موصل** است، پدر و عموی او از فرمانداران **کسری** بر سرزمین ابله بودند،

فهرست مندرجات

۱ - معرفی اجمالی صهیب

۲ - تاریخچه اسلام آوردن صهیب

۳ - هجرت صهیب به مدینه همراه پیامبر

۴ - علاقه صهیب به خلیفه دوم

۵ - ارتباط صهیب با اهل بیت

۶ - وفات صهیب

۷ - پانویس

۸ - منبع

معرفی اجمالی صهیب

در یکی از جنگ‌های **روم** و **ایران** صهیب اسیر رومیان گردید. او را به روم بردند و در آنجا بزرگ شد، از این جهت به او صهیب رومی می‌گویند و به همین جهت در زبان لکننت داشت نه عرب بود و نه اروپایی، بعضی از افراد **قبیله کلب** او را با جمعی از بردگان از روم خریداری کردند و در **مکه** به **عبدالله جدعان** فروختند، عبدالله او را آزاد ساخت.

[۱] این اثر، عز الدین، اسدالغایه فی معرفة الصحابة، ج ۲، ص ۴۱۸، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹/۱۹۸۹.

[۲] عالمی دامغانی، محمد علی، پیغمبر و یاران، ج ۴، صص ۲۹ و ۳۰، انتشارات بصیرتی، ۱۳۸۶، قم، خیابان ارم.

تاریخچه اسلام آوردن صهیب

صهیب و عمار یاسر پس از سی و چند نفر مسلمان شدند. در یکی از روزهایی که **پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم)** با جمعی از **مسلمانان** در خانه **ارقم** پنهان بودند، **عمار یاسر** جلو خانه ارقم منتظر اجازه بود که صهیب هم رسید، عمار پرسید برای چه به اینجا آمدی؟ صهیب گفت: تو برای چه آمده‌ای؟ عمار گفت: آمده‌ام تا خدمت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم) رسیده و گفتارش را بشنوم، صهیب گفت: مقصود من هم همین است. هر دو وارد شدند. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم) **اسلام** را به آنها پیشنهاد کرد و آن دو مسلمان شدند.

[۱] این عبدالنیر، ابو عمر یوسف، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۲، ص ۷۲۸، تحقیق علی محمد الجاوی، بیروت، دار الجیل، ط اولی، ۱۴۱۲/۱۹۹۲.

هجرت صهیب به مدینه همراه پیامبر

پس از **هجرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم)** به **مدینه**، صهیب هم به قصد مدینه حرکت کرد. کفار قریش به تعقیب او برخاستند. صهیب که مردی شجاع و نیرومند بودن تیری به چله کمان نهاد و گفت همه مرا می‌شناسید در تیر اندازی مهارت کامل دارم، چنانچه از من دست نکشید آخرین تیری که در ترکشم هست به کار برده، سپس با شمشیر با شما می‌جنگم؛ علاوه من برای شما سودی ندارم. محل اموال را به شما نشان می‌دهم تا آنها را تصرف کنید و از من دست بکشید. آنها به این معامله راضی شدند و برگشتند، او هم به راه خود ادامه داد تا در **قیبا** خود را به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم) رسانید.

[۱] این عبدالنیر، ابو عمر یوسف، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۲، ص ۷۳۲، تحقیق علی محمد الجاوی، بیروت، دار الجیل، ط اولی، ۱۴۱۲/۱۹۹۲.

صهیب در **بدر**، **احد**، **خندق** و سایر جنگ‌ها شرکت داشت.

[۲] این سعد، محمد بن سعد، (م ۲۳۰)، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۷۲، تحقیق محمد عبد القادر عطاء، بیروت، دار الکتب العلمیه، ط اولی، ۱۴۱۰/۱۹۹۰.

صهیب علاقه خاصی به **خلیفه دوم** عمر داشت؛ در برخی کتب‌های تاریخی آمده که صهیب در هنگام بستری بودن خلیفه دوم، در اثر ضربت خوردن، برای او گریه و ندبه می‌کرد و پس از مرگ عمر بر جنازه او نماز خواند. چنانکه خلیفه دوم هم به او علاقه داشت و در ایامی که در بستر افتاده بود، دستور داد صهیب با مردم نماز بخواند، او با این دستور تا پس از خاتمه یافتن کار شورای خلافت برای مردم امامت می‌کرد.

[۱۸] ابن سعد، محمد بن سعد، (م ۲۳۰)، الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۱۷۳، تحقیق محمد عبد القادر عطاء، بیروت، دار الکتب العلمیه، ط اولی، ۱۴۱۰/۱۹۹۰.

ارتباط صهیب با اهل بیت

در هر صورت در متون روایی و تاریخی مطلبی که دلالت کند بر این که وی **امامت حضرت علی** (علیه‌السلام) را قبول داشته و یا ارتباط با **اهل بیت** داشته است یافت نشد، بلکه بر اساس پارهای از روایات، صهیب به جهت برخی اعمال ناپسند مورد سرزنش **اهل بیت (علیه‌السلام)** قرار گرفته است.

[۱۹] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۴۲، مؤسسه الوفاء بیروت، ۱۴۰۴.

وفات صهیب

صهیب در ماه شوال ۳۸ در هفتاد سالگی در مدینه از دنیا رفت و در **بقیع** مدفون گشت.

[۲۰] ابن سعد، محمد بن سعد، (م ۲۳۰)، الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۱۷۳، تحقیق محمد عبد القادر عطاء، بیروت، دار الکتب العلمیه، ط اولی، ۱۴۱۰/۱۹۹۰.

بنابر قولی او در ۹۰ سالگی از دنیا رفت.

[۲۱] ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاستیعاب فی معرفة الصحابه، ج ۲، ص ۷۳۳.

پانویس

۱. ↑ ابن اثیر، عز الدین، اسدالغابة فی معرفة الصحابة، ج ۲، ص ۴۱۸، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹/۱۹۸۹.
۲. ↑ عالمی دامغانی، محمد علی، بیغمبر و یاران، ج ۴، صص ۲۹ و ۳۰، انتشارات بصیرتی، ۱۳۸۶، قم، خیابان ارم.
۳. ↑ ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف، الاستیعاب فی معرفة الاصلح، ج ۲، ص ۷۲۸، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل، ط اولی، ۱۴۱۲/۱۹۹۲.
۴. ↑ ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف، الاستیعاب فی معرفة الاصلح، ج ۲، ص ۷۳۲، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل، ط اولی، ۱۴۱۲/۱۹۹۲.
۵. ↑ ابن سعد، محمد بن سعد، (م ۲۳۰)، الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۱۷۲، تحقیق محمد عبد القادر عطاء، بیروت، دار الکتب العلمیه، ط اولی، ۱۴۱۰/۱۹۹۰.
۶. ↑ ابن سعد، محمد بن سعد، (م ۲۳۰)، الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۱۷۳، تحقیق محمد عبد القادر عطاء، بیروت، دار الکتب العلمیه، ط اولی، ۱۴۱۰/۱۹۹۰.
۷. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۴۲، مؤسسه الوفاء بیروت، ۱۴۰۴.
۸. ↑ ابن سعد، محمد بن سعد، (م ۲۳۰)، الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۱۷۳، تحقیق محمد عبد القادر عطاء، بیروت، دار الکتب العلمیه، ط اولی، ۱۴۱۰/۱۹۹۰.
۹. ↑ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاستیعاب فی معرفة الصحابه، ج ۲، ص ۷۳۳.

منبع

بایگگاه اسلام کوئیت، تاریخ بازیابی ۱۳۹۶/۳/۷.